

هرگز با قنند و باطلها حتی در فرج شد و لایها توان راست گشت
 و باز ماندگان و حال داران بحر علیه الصلوة والسلام سختی شدند
 عرکت تو رجح بمکرم صحبه و بی باغی گشت پیش از اسلام شنیدم
 که تا بی میمنت با سلام با سلام حق ظاهر شد و خبر و لیک گشت
 و این نه اضناط احلام است اندر آن جلس شخصی برضا
 و گشت با ابرالمومنین مثل این سخن بن رسید است ما در با با این
 و در زمان ساکن و قرار نامة سوری دیدیم که بر سر غری شانه و توف
 ما بود و چون بزودیک رسید گشت با اهر با اهر حق جزو اعطیت
 جزو عود بود و ند با اهر و از آن گشت عررضی الله عنه گشت
 الحمد للذی هانا الاسلام و الکرمنا به و انصاری گشت با العزیز
 من ازین عجب تر دیدم و با کرم من با در شخص مصاحب بودم
 و شام می رفتیم و در پایانی قبول کردم تا که سوری با رسید
 و چهار نفر شدم و کرم بودیم و او بوی هر زودیک با بی در در خانه
 و از آن بکرتم و از سوار گشت این امور را تا که ما در نور زودیک
 میماندیم و زودیک بود که بعضی از ما برون شوند و این آیه بود و کس
 فراموشی بی شد و من گوش نکردم و از بیای برتم و آن طبیی با خود
 بروم و چون شب در رسید شنیدم که تا بی این نظم میگفت
شعر یا ایها الکلب السراج اللایع
 خاوا سبیل الدانی المفزع
 خاوا عن العضاة فی الواحی مع

المرکب سبیل الدانی
 و سبیل الدانی
 لا واحد من اعط
 صحیح

تا زودیک
 از زودیک
 و زودیک

لا الذی یحیی الطیبة المروعة فیها لایتام صفا و منفعة
 یا ایها سوران فانوار کما میر لندای سب خوب رفا
 برای صید صوم گروم کما قتل صید خرم عزم کرم
 در او بر او بوی بیجا در بند کما واد و شیر خوار طلی خدی
 فی الطال او دار تا کرم و بشام زقیم و مصالح کز لودم و هر باز
 گشتن باز به ان موضع رسیدیم و شنیدیم که تا بی خوش اولاد
 از غیب ما این نظم میگفت
شعر یا ایها لایع و خد ما فرقة
 فان شر السیر سیر الخوف
 تدر لایع فاضا منشرة
 یخرج من ظلام عسوف و یفنه
 ذوال رسول معل من صدقة
 الله اعلی آره و حقه
 من یجمل ازین آهسته تراش
 بو کادی ز جلد بر صد با شن
 ازین گویند قوی راسته شنو
 کما خواهر آن پیغمبری تو
 لود کار شرفه با صلاح است
 ز دوزخ بر و آلتش را فلاح است
 و دیگر آن بود با بو هر بره
 یعنی الله عنه رواه کند که در بی ختم صنی
 بود و بیانی آن نشسته بود
 و در افصح میرا شنیدم که تا بی اولاد
 واد و این نظم میگفت
شعر یا ایها الناس ذوقوا الاجسام
 و تستروا الخلی الی الاضنام
 احکم لوده کما کلها
 الازون مالدی اما م
 من ساطع بکلوه عنی الظلام
 و لایع لفاطر من

تا زودیک
 شنیدیم و شنیدیم
 شنیدیم و شنیدیم
 شنیدیم و شنیدیم

الظلمة و جمع ظلمة
 السوف جمع سوف
 و هو الحکم صحیح

ذو و نوادین
 الذی یحیی
 ما یحیی
 هر که

تا زودیک
 از زودیک
 و زودیک